

طلاق عاطفی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جباران*

اشاره

تحول شرایط زندگی اجتماعی و آزادی نسبی زنان در جامعه امروزی، از برخی بیماری‌های پنهان خانوادگی پرده برداشته و آن‌ها را به عنوان بیماری و ناهنجاری مطرح کرده است؛ بیماری‌هایی که پیش از این نیز وجود داشته، ولی مورد توجه قرار نگرفته و به عنوان بیماری شناخته نشده است. یکی از بیماری‌های کشنده خانوادگی، عارضه سردی روابط است که در زمان ما با نام «طلاق عاطفی» شناخته می‌شود. در این مقاله تلاش می‌کنیم این عارضه را معرفی، اسباب و پیامدهای آن را شناسایی و راه‌های مقابله با آن را از منظر آیات و روایات بررسی کنیم.

تعریف طلاق عاطفی

طلاق عاطفی، به سردی روابط زن و شوهر گفته می‌شود. گاهی رابطه زوجین چنان دچار سردی می‌شود که زن و مرد برای هم حکم یک همخانه را پیدا می‌کنند و گاهی نیز همخانه‌ای که حضورش دیگری را رنج می‌دهد و نبودنش ترجیح داده می‌شود. در چنین شرایطی زن و مرد و حتی فرزندان نسبت به خانه خود حسی را که باید داشته باشند، ندارند و هر یک به گونه‌ای می‌خواهد زمان کمتری در خانه بماند؛ چرا که هیچ شور و نشاط و حرارتی بر فضای خانه حاکم نیست. در این گونه خانواده‌ها، با هر یک از زوجین در این باب صحبت کنی، خواهد گفت که در انجام وظایف خود کوتاهی نکرده است. زن غذا می‌پزد، لباس می‌شوید، خانه را نظافت می‌کند و هر کاری که وظیفه یک زن در خانه است، انجام می‌دهد. مرد هم سر کار می‌رود، پول می‌آورد، به هر یک از اعضای خانواده به قدر نیازش و گاهی بیشتر پول می‌دهد و هر کاری که

* پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

وظیفه یک مرد در برابر خانواده است، انجام می‌دهد؛ ولی با این حال، جاذبه لازم در خانه نیست و شور و حرارتی که بر سایر خانواده‌ها حکم می‌راند، وجود ندارد.

نشانه‌های طلاق عاطفی

مهم‌ترین نشانه‌های طلاق عاطفی، پنج چیز است:

۱. کم شدن زمان گفتگو

در خانواده‌هایی که به این بیماری مبتلا نیستند، اعضای خانواده به‌ویژه همسران درباره موضوعات گوناگون با هم حرف می‌زنند. لازم نیست حرف‌ها همیشه جدی و با اهداف متعالی باشد. همین که زن و مرد درباره موضوع ساده‌ای مثل طعم غذا یا رنگ لباس صحبت می‌کنند، نشانه سلامت رابطه آن‌ها است؛ ولی در خانواده‌های بیمار، گفتگو در حد ضرورت صورت می‌گیرد. هر کس وقتی حرف می‌زند که واقعاً به گفتن چیزی نیازمند است. پس نباید به‌سادگی از کنار این سکوت بگذریم و باید تلاش کنیم با همسر خود از هر دری حرف بزنیم؛ از اتفاقات محیط کار گرفته تا برنامه‌های تلویزیونی، یا آنچه در خیابان پیش آمده. باید سعی کنیم دلخوری‌ها و نگرانی‌های خود را به او بگوییم.

۲. عدم توجه به خواسته‌های همسر

در خانواده‌های سالم، معمولاً زن و مرد به خواسته‌های هم توجه دارند. برای زن مهم است که شوهرش چه غذایی را دوست دارد و چه رنگی را می‌پسندد و برای مرد نیز نظر همسرش بی‌اهمیت نیست؛ ولی در خانواده‌های بیمار، هر یک از زن و مرد، ساز خود را می‌زند. زن به بهانه‌های مختلف، سلیقه‌های شوهرش را ندیده می‌گیرد و خواسته‌های او را، هرچند به جا و معقول، بی‌پاسخ می‌گذارد و مرد نیز با هر بهانه‌ای از برآوردن خواسته‌های زنش سر باز می‌زند. چنانچه همسر تصور کند که خواسته‌هایش ندیده گرفته می‌شود، بیش از پیش از زندگی مشترک دور می‌شود و به دنبال مکان‌های امن دیگری می‌گردد. عضویت در شبکه‌های اجتماعی، کلاس‌های گروهی یا پیدا کردن دوستان جدید، همه می‌توانند راه‌هایی برای پیدا کردن گروهی از آدم‌های تازه باشند که او را بیشتر از همسرش درک می‌کنند.

۳. بهانه‌جویی برای ترک خانه

در خانواده‌های سالم، همه اعضای خانواده جز در موارد ضروری، تلاش می‌کنند تا خود را به خانه برسانند؛ چون در محیط خانه و در کنار اعضای خانواده آرام می‌گیرند و به نوعی، آلامی را که در برخوردهای اجتماعی عارض شده، در فضای آرام و صمیمی خانواده درمان می‌کنند؛ ولی در خانواده‌های بیمار، هر یک از اعضا تلاش می‌کند که به هر بهانه‌ای خانه را ترک کنند.

۴. خلوت‌گزینی در خانه

در خانواده‌های سالم، اعضا تلاش می‌کنند بیشتر ساعات حضور در خانه را در کنار هم بگذرانند و حتی در مواردی که هر یک کاری متفاوت انجام می‌دهند و شاید به اقتضای نوع کارشان نتوانند با هم حرف بزنند، در کنار هم کار می‌کنند؛ مثلاً مرد اگر می‌خواهد وسیله‌ای را تعمیر کند و زن در حال آشپزی است، مرد کار خود را روی میز آشپزخانه و در صورتی که فضای آشپزخانه اجازه ندهد، در نزدیکی‌های آشپزخانه انجام می‌دهد. در مقابل، زن هم ممکن است برخی کارهای آشپزخانه را در نزدیکی میز کار شوهرش انجام دهد؛ ولی در خانواده‌های بیمار، هر کس به دنبال کار خود می‌رود و سعی می‌کند محیطی خالی از اغیار پیدا کند؛ زن به آشپزخانه می‌خزد، مرد به داخل پارکینگ، حیاط، انباری یا پشت‌بام می‌رود و فرزندان در اتاق‌های در بسته به کار خود می‌رسند.

۴. تنه‌اروی

در خانواده‌های سالم، برنامه‌ها معمولاً به صورت گروهی و دسته‌جمعی اجرا می‌شود، با هم به مهمانی و تفریح می‌روند، با هم تلویزیون می‌بینند و با هم مهمان دعوت می‌کنند؛ ولی در خانواده‌های بیمار، هر کس برای خود تصمیم می‌گیرد و به تنهایی عمل می‌کند.

جدایی برنامه‌ها، یک اتفاق ساده نیست که بتوان به راحتی آن را توجیه کرد. این نشانه‌ها به ما می‌گویند که دیگر نمی‌خواهیم برنامه‌های خود را با توجه به شرایط همسرمان تنظیم کنیم و دیگر از وقت گذراندن با او لذت نمی‌بریم. برای حل این

مشکل، زن و مرد باید با هم صحبت کنند. برای مدتی هم وقت خواب، بیداری، کار و تفریح خود را با هم هماهنگ کرده، سعی کنند به این برنامه پایبند باشند.

پیامدهای طلاق عاطفی

زیان اصلی طلاق عاطفی، بی‌خاصیت کردن ازدواج است. می‌دانیم که ازدواج از نظر مکتب ما با اهدافی متعالی صورت می‌گیرد. سردی روابط زناشویی، چنان ازدواج را از خاصیت می‌اندازد که هیچ یک از اهداف آن محقق نمی‌شود. برای این‌که ویرانی حاصل از سردی روابط به‌خوبی نشان داده شود، نخست به مأموریت‌های ازدواج نگاهی اجمالی می‌کنیم.

رسالت‌های ازدواج

۱. آرامش

انسان، خواه مرد و خواه زن، از پاره‌ای جهات ناقص آفریده شده و جزء کامل‌کننده او در جنس مخالف نهاده شده است. به همین دلیل، زن و مرد هر دو به هم محتاج‌اند و به جهت این نقص و نیاز، به هم تمایل دارند؛ چراکه هر ناقصی مشتاق کمال خویش است و هر محتاجی در پی چیزی می‌رود که نیازش را پاسخ دهد. بنابراین، زن، مشتاق مرد است و مرد، مشتاق زن و چون به هم دست یابند در کنار هم آرام می‌گیرند.^۱

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛^۲ از نشانه‌های خدا این است که برای شما (انسان‌ها) از جنس خودتان زوج‌هایی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید.»

آرامش، بستر کمال انسان است. زندگی اجتماعی بدون سکون و آرامش قوام نمی‌گیرد. پیشرفت و پختگی علم و دانش و فناوری، در گرو آرامش انسان‌ها است. سازندگی ماندگار و آبادانی زمین که خدا از انسان مطالبه دارد، در صورت اضطراب و پریشانی انسان‌ها، خیالی بیش نیست. بنابراین، انسان برای پیشرفت چه در بعد فردی

۱. ر.ک: طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۵.

۲. روم، آیه ۲۱.

و چه در بعد اجتماعی، محتاج آرامش است و ازدواج، این آرامش را به او هدیه می‌کند. طلاق عاطفی، این خاصیت خانواده را از بین می‌برد؛ چون خود به این دلیل اتفاق می‌افتد که زوجین در کنار هم احساس آرامش نمی‌کنند و لذت نمی‌برند. هنگامی که در کنار هم قرار می‌گیرند، یا باید مشاجره کنند یا سنگینی حضور همدیگر بر روح و روان خود را تحمل نمایند.

۲. کمال زوجین

یکی از ثمرات ازدواج، رشد زوجین است؛ رشدی که از شکوفایی استعدادها ناشی می‌شود ازدواج، انسان را به مهارت دوست داشتن مجهز می‌کند. مهرورزی، اولین قدم در مسیر ترقی و تعالی است. کسی که نمی‌تواند مهر بورزد، چنان کوچک است که فراتر از مرز وجود خود را نمی‌بیند و انسان پیش از ازدواج به این آفت مبتلا است؛ چنان‌که اگر چیزی را هم دوست بدارد، به تبع حب ذات است. با ازدواج، اولین قدم در راه مهرورزی برداشته می‌شود. انسان، زن باشد یا مرد، یاد می‌گیرد که جز خود به دیگری هم بیندیشد، خویشتن را مسئول بداند و نیز یاد می‌گیرد که کار کند و دیگری را بی‌منت در دسترنج خود شریک کند. این‌ها، اولین قدم‌هایی است که انسان پس از ازدواج برای خروج از پیلۀ خودبینی برمی‌دارد و هرچه بر عمر زناشویی می‌گذرد، او راه‌های نرفته‌ای را طی می‌کند تا به فراخنای دگربینی می‌رسد و صلاح و فلاح خود را در پیروزی و کامیابی دیگری می‌جوید و حرمان دیگران، حسرت و اندوهش را موجب می‌شود. قرآن کریم در توصیف رابطه زوجین می‌فرماید:

«وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً^۱؛ و در میان شما مودت و رحمت آفرید.»

مودتی که بین زوجین پدید می‌آید، منشأ بسیاری از محبت‌ها و آغاز بسیاری از پیشرفت‌ها و حرکت‌های کمالی است. در سایه این مودت است که زن و مرد، آشیانه‌ای برای فرزندان می‌سازند و سفره‌ای برای میهمان پهن می‌کنند و نهادی به نام خانواده شکل می‌گیرد که انسان در آن تربیت می‌شود. تأثیر این مودت است که انسان‌های ناقص به انسان‌های شایسته تبدیل می‌شوند. مردی که وجودش سراسر خشم و هنرش حمله و شکستن است، انسانی می‌شود که می‌تواند کودکی شیرخوار را در آغوش بکشد

۱. روم، آیه ۲۱.

و از تصور رنج او رنج بکشد و زنی که فقط به خودنمایی می‌اندیشد، مادری شود که بهشت خدا را در زیر پای دارد. رسول خدا ﷺ با بیان‌های گوناگون از این کمال که در سایه ازدواج دست‌یافتنی است، خبر داده است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ السَّعَادَةِ»^۱ هرکس ازدواج کند، نیمی از سعادت را به او داده‌اند.

این سخن شریف، شاید به این معنا است که زمینه سعادت فراهم و راه کمال باز می‌شود و این، نیمی از سعادت است و نیم دیگر، آن است که انسان خود قدم در راه بگذارد و به سوی مقصد قدمی بردارد. همچنین ایشان می‌فرماید:

«مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النُّصْفِ الْآخَرِ»^۲ هرکس ازدواج کند، نیمی از دینش را در حفاظت نهاده است. پس برای حفظ باقی، از خدا پروا کند. آن حضرت در سخنی دیگر، از رشدیافتگی انسان پس از ازدواج خبر داده، می‌فرماید:

«الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَزَبِ»^۳ کسی که ازدواج کرده، اگرچه در خواب باشد، برتر است از فرد مجرد و عزبی که پیوسته در نماز و روزه باشد. این سخن شریف را می‌توان بر مبنای قاعده‌ای تفسیر کرد که ارزش اعمال را به رشد یافتگی عامل گره می‌زند.

رشد و ترقی انسان به وسیله ازدواج، در کلامی دیگر از رسول خدا ﷺ به این بیان ارائه شده است: «هر کس خوشحال می‌شود از این‌که پاک و پاکیزه خدا را ملاقات کند، با همسرش به خدمت خدا برود.» منظور این است که زودتر ازدواج کند و مبادا عذب از دنیا برود.^۴

۳. تربیت نسل

هدایت انسان، هدف بلندی است که بنای آفرینش به جهت آن استوار گردیده و رشته نبوت و تشریح دین، در پی آن کشیده شده است. خانواده، مبدأ پیدایش و بستر رشد و کمال انسان، و ازدواج، نقطه شکل‌گیری یک خانواده است. بنابراین، بدیهی

۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵.

است که ازدواج، از نظر اسلام، جایگاهی بلند دارد؛ دینی که هدایت یک انسان را برتر از تمام موجودات می‌داند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «به خدا قسم! اگر خداوند یک نفر را به دستان تو هدایت کند، برای تو بهتر است از هرچه که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند.»^۱

والدین در صورتی به تربیت فرزن موفق می‌شوند که با برنامه‌ریزی و دقت و همکاری و همدلی، به پسندیده‌ها ملتزم بوده، ستوده‌ها را به جا آورند و ناپسندها را ترک کنند و از نکوهیده‌ها بگریزند و این همه را برابر چشمان فرزندان خود انجام دهند. ناگفته پیداست که سردی روابط، چنین فرصتی به آن‌ها نمی‌دهد. آری، زیان طلاق عاطفی این است که ازدواج و خانواده را از این همه خاصیت تهی می‌کند؛ چون با سردی روابط، نه آرامشی می‌ماند، نه زمینه‌ای برای کمال و نه فرصتی برای تربیت نسل.

اسباب و علل طلاق عاطفی

بدون شک، حفظ نشاط خانواده و جلوگیری از طلاق عاطفی، به شناخت علل و اسباب این پدیده نامیمون، وابسته است. به همین دلیل، موضوع علل و اسباب، یکی از مهم‌ترین فرازهای این بحث به شمار می‌رود. سردی روابط زن و شوهر، از عوامل بسیاری ناشی می‌شود. ما در این نوشتار به طرح چند عامل عمده و راه مقابله با آن، بسنده می‌کنیم.

الف. نارضایی از مسائل جنسی

مهم‌ترین عامل و سبب طلاق عاطفی، برآورده نشدن انتظار زوجین یا یکی از آن دو، از رابطه جنسی است. نیاز جنسی، یکی از نیازهای اساسی انسان است و تنها راه صحیح تأمین آن، ازدواج است. به همین دلیل، زن و شوهر برای ادامه زندگی مشترک، علاوه بر تفاهم و تأمین نیازهای عاطفی، فکری و زیستی باید نیازهای جنسی همدیگر را هم تأمین کنند. رضایتمندی از روابط جنسی، یکی از معیارهای خوشبختی زن و شوهر است. بر اساس نظر بسیاری از روان‌شناسان خانواده، اگر زوجین روابط جنسی

۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۸.

خوبی با هم نداشته باشند، آمادگی دارند هر موضوع کوچکی را به بحرانی بزرگ تبدیل کنند و حتی کار به جدایی و طلاق بینجامد.^۱

علل نارضایی

نارضایی از رابطه جنسی، غالباً به دلیل عدم نشاط طرف مقابل روی می‌دهد. بنابراین، باید دید با آن‌که رابطه جنسی، یکی از نیازهای جدی هر انسان است، چه عاملی باعث بی‌نشاطی در این فعالیت می‌شود.

به نظر می‌رسد سه عامل موجب می‌شود که انسان در رابطه جنسی از نشاط لازم برخوردار نباشد و در نتیجه، نه خود به رضایت دست پیدا کند و نه طرف مقابل خویش را راضی کند. این سه عامل عبارت است از: بیماری جسمانی، اشباع نیاز و عدم آموزش صحیح.

۱. بیماری جسمانی

برخی بیماری‌های جسمی، موجب نارسایی جنسی می‌شود. امروزه بیماری‌های جنسی و درمان آن‌ها شناخته شده است. این بیماری‌ها، از نظر امکان وقوع، با سایر بیماری‌ها تفاوتی ندارند. وجود این بیماری‌ها نباید موجب سرشکستگی یا شرمندگی کسی باشد. به همان میزان که ممکن است کسی بیماری گوارشی یا تنفسی بگیرد، ممکن است به بیماری جنسی مبتلا شود. بنابراین، راه مقابله با این مشکل، پنهان کردن مشکل نیست؛ بلکه باید در پی درمان آن برآمد.

۲. اشباع نیاز

یکی از عواملی که باعث می‌شود کسی در رابطه جنسی نشاط لازم را نداشته باشد، این است که نیاز خود را از طریق دیگری پاسخ داده باشد. این مشکل، معمولاً در خانواده‌هایی رخ می‌دهد که موازین شرعی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و روابط جنسی در بستر صحیح شرعی اتفاق نمی‌افتد. در این صورت، طبیعی است که انسان در مواجهه با همسر خود بی‌نشاط بوده، نتواند یک رابطه با نشاط برقرار کند. ضرورت درمان این مشکل، چنان واضح است که بحث از آن در این مقاله زاید می‌نماید.

۱. شایان توجه است که با توجه به حساسیت مباحث این بخش از نوشتار، مبلغان گرامی این مبحث را فقط برای مخاطبان متأهل ارائه دهند.

۳. عدم آموزش صحیح

شاید شایع‌ترین مشکل در این زمینه، عدم آموزش صحیح باشد. زشت‌انگاری رابطه جنسی، زشت‌انگاری ابراز نشاط و رضایت از رابطه جنسی و عدم مهارت ایجاد رابطه، مهم‌ترین پیامدهای عدم آموزش جنسی است. بنابراین، ما در ادامه تلاش می‌کنیم درباره این سه موضوع از نگاه دینی سخن بگوییم.

رابطه جنسی زوجین از نظر اسلام

بسیاری از مردم جامعه ما، به علت بی‌اطلاعی از تعالیم دین اسلام، به ارتباط جنسی اهمیتی نمی‌دهند و تنها به این دلیل که فعالیت جنسی باید مخفیانه صورت گیرد و اظهار آن با شوون اخلاقی سازگار نیست، گمان می‌کنند که پیگیری، مطالبه و اظهار اشتیاق به آن نیز در محیط خانواده غیر اخلاقی است؛ حتی فکر می‌کنند که زن یا مرد وزین و اخلاقی، کسی است که کمتر به این عمل مبادرت می‌ورزد. چنین باوری، باعث می‌شود که اولاً، خود، متقاضی رابطه نباشند و در صورت تقاضای طرف مقابل نیز از اجابت خواسته او سر باز زنند یا به حد اقل ممکن، از نظر کمی و کیفی، اکتفا کنند.

این درحالی است که رسول خدا ﷺ از این موضوع به عنوان یک کار عبادی که خدا دوستش می‌دارد، بدون هیچ پرده‌پوشی سخن می‌گفت. ایشان برای آمیزش همسران، ثواب‌های فراوان می‌شمرد و آن را در ردیف عبادات بزرگ قرار می‌داد. درباره مردی که به قصد رابطه جنسی، با همسرش روبه‌رو شود، می‌فرماید: وقتی به تو رو می‌آورد، دو فرشته او را در میان می‌گیرند و مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است و چون آمیزش می‌کند، گناهایش می‌ریزد؛ چنان‌که برگ از درخت فرو می‌ریزد و چون غسل کند، به کلی از گناهان خارج شده است.^۱ آن حضرت به کسی که می‌گوید امروز روزه نیستم و صدقه هم نداده‌ام، می‌فرماید: «فَارْجِعْ إِلَى أَهْلِكَ فَإِنَّهُ مِنْكَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةٌ»^۲ پس به خانه برو و با همسرت درآمیز که

۱. الکافی، ج ۵، ص ۴۹۵.

۲. همان.

پاداش صدقه دارد.» در طرف مقابل، به زنان می‌فرمود: «بهترین عطرهایتان را بزنید، بهترین لباس‌هایتان را بپوشید و خود را به بهترین زیورهایتان بیارایید و هر صبح و شام خود را به شوهرتان عرضه کنید.»^۱ اگر شوهرتان تقاضای آمیزش کرد، جواب رد ندهید؛ هرچند سوار شتر باشید.^۲ با طول دادن نماز، خواسته شوهرتان را به تأخیر نیندازید^۳ و می‌فرمود: «زنی که از پاسخ مثبت به شوهرش خودداری کند تا شوهرش به خواب رود، تا زمانی که بیدار شود، فرشتگان او را لعنت می‌کنند.»^۴

بر این اساس، برای جلوگیری از سردی رابطه، بر زن و شوهر لازم است در ایجاد رابطه پیش‌قدم بوده، به خواسته همسر خود از سر اشتیاق و با میل و رغبت پاسخ بدهند. علاوه بر این، زن و مرد به طور یکسان وظیفه دارند با مراعات اصول زیبایی، از جمله آراستگی، خود را در نظر همسر زیبا جلوه داده، او را به ایجاد رابطه ترغیب کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در روابط بین زن و شوهری که با هم توافق دارند، برای مرد ضروری است که چنان خود را در چشمش نیکو بیاراید تا قلبش را به خود متمایل کند. برای زن نیز ضروری است که با آراستگی کامل و فریبایی، به شوهرش اظهار عشق کند.^۵

در روایات فراوانی که به دست ما رسیده، زن و مرد به طور یکسان به آراستگی در چشم یکدیگر موظف شده‌اند. برای نمونه، برخی روایات هر بحث را نقل می‌کنیم. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: سزاوار نیست که زن، حتی اگر پیر باشد، خود را بی‌زیور بگذارد؛ هرچند با آویختن یک گردن بند، و سزاوار نیست دستش را بدون خضاب بگذارد؛ هرچند با مالیدن کمی حنا.^۶

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَجُوزُ أَنْ تُرَى أَظْفِيرُهَا بَيْضَاءَ وَ لَوْ أَنْ تَمْسَحَهَا بِالْحِنَاءِ مَسْحًا؛^۷ سزاوار نیست ناخن‌های زن سفید دیده شود؛ هرچند با مالیدن کمی حنا.» و

۱. همان، ص ۵۰۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۵۰۹.

۵. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۳.

۶. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۹.

۷. شیخ صدوق، خصال، ص ۵۸۷.

فرمود: «لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنْ تُعَلَّقَ فِي عُنُقِهَا حَيْطًا؛^۱ برای زن سزاوار نیست که خود را بی‌زیور بگذارد؛ حتی اگر با آویختن یک نخ به گردن باشد.» همان طور که مرد دوست دارد همسرش را نظیف، معطر و زیبا ببیند، زن نیز دوست دارد شوهرش را در بهترین صورت ممکن مشاهده کند. بنابراین، مرد هم موظف است خود را پاکیزه کند، به موقع مسواک بزند، خود را بشوید، موهای سر و ریش خود را شانه کند، ناخن‌های دست و پا را پیش از آن‌که زشت و زنده جلوه کنند، بگیرد و لباس پاکیزه، مرتب و زیبا بپوشد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «النِّسَاءُ يُحِبُّنَ أَنْ يَرَيْنَ الرَّجُلَ فِي مِثْلِ مَا يُحِبُّ الرَّجُلُ أَنْ يَرَى فِيهِ النِّسَاءَ مِنَ الزَّيْنَةِ؛^۲ زنان دوست دارند مرد را در حالتی از آراستگی و زینت ببیند که مرد دوست دارد زنش را در آن حالت ببیند.» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زنان بنی‌اسرائیل پرده عفت خویش را دریدند و به فحشا روی آوردند؛ تنها به این دلیل که مردانشان آراسته نبودند.» آن‌گاه افزود: «زن میل دارد تو را چنان ببیند که تو دوست داری او را چنان ببینی.»^۳

کیفیت رابطه جنسی از نظر اسلام

یکی از جنبه‌های مورد نظر در رابطه جنسی، برخورداری از لذت است.^۴ زن یا مرد باید بداند که اگر این جنبه را به طور کامل برای همسرش تأمین نکند، به طور ناخودآگاه، به دنبال پاسخ‌گوی دیگری می‌گردد و حتی اگر فرض کنیم حدود شرعی و قیود عرفی او را از به دست آوردن چنین جایگزینی محروم کند، لااقل در محیط ذهنی خود فضایی دلچسب و مطلوب برای خود می‌سازد. این ذهن‌گرایی جنسی، نقطه آغاز انحرافات بزرگ‌تر است. به همین دلیل، یکی از وظایف مشترک زوجین این است که برای ارتقای سطح لذت در رابطه جنسی تلاش کنند. زن، از نظر اخلاقی موظف است همسر خود را از جهت جنسی به طور کامل اشباع کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بهترین زنان، آن زنی است که چون با شوهرش خلوت کند و جامه از تن بیرون کند، همراه با آن حیا را نیز کنار بگذارد و چون دوباره جامه بر تن کند، همراه آن لباس حیا را هم

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۴.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۸۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۱.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۸۱.

۴. ر.ک: آندره مورالی دانیو، جامعه‌شناسی روابط جنسی، ترجمه حسن پویان، ص ۱۹.

بپوشد.»^۱ این مضمون از رسول خدا ﷺ نیز روایت شده است.^۲ مردان نیز به تأمین نیاز جنسی همسران خود تشویق شده‌اند. روایاتی که در این باب وارد شده، فراوان و متنوع است؛ چنان‌که در جوامع روایی تحت عناوین متعددی جمع‌آوری شده است. از امام باقر (ع) روایت است: «لَهُوَ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاكَهَةُ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ»^۳ سرگرمی مؤمن، در سه چیز است: لذت بردن از زنان، گفتگو با برادران دینی و نماز شب. از نگاه اخلاق اسلامی، مرد نیز موظف است به نیازی‌های جنسی همسر خود توجه کامل داشته باشد. به همین دلیل، معاشقه همسران، یکی از سرگرمی‌های حق به شمار آمده و اقدام به فعالیت جنسی، پیش از معاشقه، جفا محسوب شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «یکی از مصادیق جفا این است که مرد پیش از ملاحظه و معاشقه، با همسر خود مباشرت کند.»^۴ امروزه جامعه‌شناسان خانواده، روابط جنسی بدون معاشقه را امری پست و حیوانی که منحصر به افراط در شهوت‌رانی می‌شود، به شمار می‌آورند.^۵ پیشوایان دین علاوه بر این، مردان را از این‌که به هنگام تماس فقط به فکر خویش باشند، برحذر داشته‌اند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا جَامَعَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَأْتِيهِنَّ كَمَا يَأْتِي الطَّيْرُ لِيَمْكُتُ وَ لِيُلْبِثَ»^۶ هنگامی که آمیزش می‌کنید، همانند پرندگان نباشید؛ باید درنگ کرد و طول داد.»

مهارت ایجاد رابطه

یکی از علل نارضایی افراد از رابطه جنسی، این است که خود یا طرف مقابلشان برای ایجاد رابطه مهارت لازم را ندارند؛ چرا که چگونگی آن را از کسی نشنیده و خود نیز تجربه‌ای در این زمینه ندارند. شاید در نظر اول فکر کنیم که پیگیری این موضوع، خلاف اخلاق و شریعت است؛ ولی با نگاهی به روایات گذشته درمی‌یابیم که پیشوایان معصوم به راحتی در این باره سخن گفته و پاره‌ای از شرایط و جوانب یک ارتباط موفق

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹.

۳. خصال، ص ۱۶۱؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۳۷۳.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۱۹۰؛ حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۱۶۰.

۵. ر.ک: جامعه‌شناسی روابط جنسی، ص ۲۶.

۶. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۱۷؛ الکافی، ج ۵، ص ۴۹۷.

و رضایت‌بخش را به اصحاب خود آموزش داده‌اند. تبیین شیوه‌های صحیح ارتباط موفق، برای انسان به اندازه هر یک از وجوه اساسی شخصیت او اهمیت دارد.^۱ بر این اساس، آموزش مهارت‌های جنسی همزمان با ازدواج را می‌توان از ضرورت‌های آموزشی خانواده و جامعه به شمار آورد. از این رو، آموزش در مورد مسائل جنسی، قبل از ازدواج بسیار مهم است. همچنین در صورتی که والدین در تربیت روانی جنسی فرزندان خود قصور کنند، جوانان اطلاعات خود را از رسانه‌های غیر رسمی و دوستان و همسالان خویش کسب می‌کنند؛ مشکل آن‌جا است که این قبیل اطلاعات، معمولاً ناقص و آمیخته با مطالب نادرست است.

ب. عصبانیت

مقابله با عامل عصبانیت، دارای دو فرع است: نخست، مقابله با خشم خویش، و دیگر، مقابله با خشم همسر. برای مقابله با این آفت، دانشمندان اخلاق، به هر دو طرف، حلم و بردباری را توصیه می‌کنند؛ ولی بهره‌برداری از این دستور عمل، برای دو طرف یکسان نیست. حلم‌ورزی برای کسی که خود عصبانی است، الگویی دارد و برای آن‌که با شخص عصبانی مواجه می‌شود، الگویی دیگر.

مهار خشم خویش

به آن‌که خشمگین است، توصیه می‌کنند خشم خود را فرو برد و برای رضای خدا که اهل حلم را دوست می‌دارد، از هر اقدامی که بنیان خانواده را سست می‌کند، خودداری کند. در چنین موقعیتی، انسان برای این‌که خشم خود را کنترل و میل به پرخاشگری را در خود سرکوب کند، باید به چند چیز توجه داشته باشد:

- در نظر داشته باشد که در لحظه خشم، بازیچه شیطان است. پس تلاش کند این دشمن دیرین خود^۲ را از خویشتن براند.

۱. ر.ک: جامعه‌شناسی روابط جنسی، ص ۲۷.

۲. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است. «(بقره، آیه ۱۶۸ و ۲۰۸؛ انعام، آیه ۱۴۲) و یا فرموده: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ همانا شیطان دشمن آشکار انسان است.» (یوسف، آیه ۵)؛ همچنین ر.ک: یس، آیه ۶۰.

- به یاد داشته باشد که بروز خشم ممکن است از سوی طرف مقابل بی‌جواب نماند. پس عاقلانه بسنجد که فرو خوردن خشم، آسان‌تر است یا تحمل اتفاقی که از آن پس خواهد افتاد؛ مثلاً مرد در هنگامی که برافروخته شده، از همسر خود عصبانی است و به پیروی شیطان، تصمیم دارد چنین و چنان کند، از این احتمال غافل نباشد که ممکن است پس از این نزاع، همسرش را از دست بدهد. پس باید زیان‌های بی‌همسری را محاسبه نماید و آن را با تلخی خشمی که از گلو پایین می‌رود و به لذت انتقام نمی‌رسد، مقایسه کند.

- زشتی و خطر کارهایی را که در پی خشم از انسان سر می‌زند، در نظر بگیرد. از خود بپرسد که به چه وسیله‌ای می‌خواهد خشم خود را به کار برد، با زیاد زدن، با فحش و بدزبانی، با اهانت به همسر یا با کتک‌کاری؟ که البته همگی خطرهای آسیب‌های جسمی یا روانی را به دنبال دارد.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «شِعْتْنَا مَنْ لَا يَعْدُو صَوْتَهُ سَمْعَهُ»^۱ شیعه ما، صدایش از گوشش دورتر نمی‌رود. فحش و بدزبانی، حرام است و به همین جهت، زینده مسلمان نیست. در این باره رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند بهشت را بر دشنام‌گوی بد زبان، حرام کرده است.»^۲ و می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُحْشَ وَالتَّفَحُّشَ»^۳ از فحش بپرهیزید که خدا دشنام و دشنام‌گویی را دوست ندارد. باید بداند که اهانت به مؤمن حرام است. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «مَنْ أَهَانَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ فَقَدْ اسْتَقْبَلَنِي بِالْمُحَارَبَةِ»^۴ کسی که به بنده مؤمن اهانت کند، به جنگ من برخاسته است. بداند که ممکن است در اثر خشم دستش به کتک باز شود و سیلی ظالمانه‌ای بزند. این کار اگر هیچ پیامی هم در دنیا نداشته باشد، بار آخرتش را نمی‌توان بر دوش کشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سرکش‌ترین بندگان در برابر خدا، کسی

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲. تحف العقول، ص ۴۴.

۳. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۰.

۴. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، کتاب المؤمن، ص ۳۲.

است که شخصی را می‌زند که او را زده.^۱ و علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس به ستم دیگری را شلاق می‌زند، خداوند بلند مرتبه او را با شلاق آتشین می‌زند.»^۲

مقابله با همسر عصبانی

وقتی زن یا مرد درمی‌یابد همسرش به حق یا ناحق عصبانی و خشمگین است، باید توجه داشته باشد که اگر او هم بخواهد مانند همسرش رفتار و به اصطلاح مقابله به مثل کند، در حقیقت، در تخریب بنای خانواده با او همکاری کرده است. بنابراین، باید تلاش کند نوع مقابله را تغییر دهد. برای رسیدن به این مقصود، باید چند مرحله را طی کند: نخست آن‌که خود را کنترل کند که عصبانی نشود. پس انسان در مواجهه با همسر عصبانی خود باید پیش از هر چیز تصمیم بگیرد که خودش عصبانی نشود. مرحله دوم این است که سعی کند همسرش را نیز آرام کند و توجه داشته باشد که مقابله نکردن و بردباری، نه تنها به معنای ذلت و خواری نیست، بلکه نشانه بزرگی و توان مدیریت است. سومین و آخرین مرحله این است که تلاش کند صحنه نزاع را به عرصه گفتگو تبدیل کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس از تو برید، با او بییوند. هر کس محرومیت کرد، تو به او بده. هرکس با تو بدی کرد، تو با او نیکی کن. هر کس دشنامت داد، سلامش کن. با هر کس به دشمنی ات برخاست، انصاف کن و هر کس بر تو ستم کرد، او را ببخش؛ چنان‌که تو هم دوست داری دیگران ببخشند. بخشش را از خدا یاد بگیر. نمی‌بینی خورشیدش یکسان بر نیک و بد می‌تابد و بارانش به طور مساوی بر نیکوکار و بدکار می‌بارد.»^۳

ج. کج خلقی

یکی از عواملی که باعث می‌شود رابطه زن و شوهر سرد و بی‌روح شود، بدخلقی است. انسان بد اخلاق، چه زن چه مرد، همه معاشران خود را فراری می‌دهد و فرصت رابطه صمیمی با دیگران را از دست می‌دهد. همچنین به دیگران اجازه نمی‌دهد با او

۱. الکافی، ج ۷، ص ۲۷۴.

۲. مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۴۱.

۳. تحف العقول، ص ۳۰۵.

صمیمی باشند. بنابراین، طبیعی است که همسرش نیز از او رنجیده‌خاطر شده، ارتباط گرمی با او نداشته باشد.

برای این‌که بنای خانواده از بد اخلاقی آسیب نبیند، هر یک از زن و مرد باید به دو گونه آگاهی مجهز و به دو فضیلت آراسته شوند: خوش خلقی و تحمل بد اخلاقی.

۱. خوش اخلاقی

خوش اخلاقی، بیش از این‌که موهبتی باشد، اکتسابی است و هر کسی می‌تواند خود را به زینت اخلاق نیکو آراسته کند. بنابراین، اولین چیزی که هر همسری، چه زن چه مرد، باید کسب کند، خوش اخلاقی است. پس نخست باید ارزش خوش اخلاقی و زشتی بد اخلاقی را بداند. از میان همه ستایش‌های خوش اخلاقی، به ذکر دو نکته بسنده می‌کنیم:

نخست آن‌که خوش اخلاقی، جزء ایمان و تکلیف شرعی است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»^۱ از میان اهل ایمان، ایمان کسی کامل‌تر است که اخلاقش بهتر است.»

دیگر آن‌که به اعتقاد یک مسلمان، حُسن خلق است که انسان را به بهشت می‌برد؛ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حُسن خلق، درختی است در بهشت، و انسان خوش اخلاق، به شاخه‌ای از این درخت آویخته. پس حتماً او را به بهشت می‌برد. بد اخلاقی، درختی است در جهنم و آدم بد اخلاق، به شاخه‌ای از این درخت آویخته. پس لاجرم او را به سوی آتش می‌کشد.»^۲

در دنیا نیز هرکس بخواهد در جامعه زندگی کند، باید خوش اخلاق باشد. به همین دلیل، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر انسان بداند چه فوایدی در حُسن خلق نهفته است، می‌داند که به آن محتاج است.»^۳ بنابراین، خوشبختی دنیا و آخرت انسان، به خوش اخلاقی بستگی دارد.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۳۶۹.

در برابر این همه ستایش که از خوش اخلاقی بیان شده، بد اخلاقی مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است. بر اساس احادیث، انسان بد اخلاق، پیش و بیش از هر کس، به خود زیان می‌رساند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ، عَذَّبَ نَفْسَهُ؛^۱ کسی که اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.» امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «سُوءُ الْخُلُقِ نَكَدُ الْعَيْشِ وَ عَذَابُ النَّفْسِ؛^۲ بد اخلاقی، موجب تنگی زندگی و عذاب جان آدمی است.»

۱۶. تحمل بد اخلاقی

خوش اخلاقی، در محیط خانواده لازم است؛ ولی کافی نیست. در خانواده علاوه بر خوش اخلاقی، زن و شوهر باید از مهارت تحمل بد اخلاقی برخوردار باشند؛ چون اولاً، ممکن است همسر، با وجود همه این سفارش‌ها، خوش اخلاق نباشد و ثانیاً، هر انسان خوش اخلاقی ممکن است بر اثر هیجانات نفسانی گاهی بد اخلاقی کند. بنابراین، زن و مرد، نه تنها به طور یکسان موظف به خوش اخلاقی می‌باشند، بلکه موظف‌اند بدخلقی همسر خود را نیز تحمل کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مردی که بدخلقی همسرش را تحمل کند، خداوند پاداشی به او می‌دهد؛ همانند پاداشی که به ایوب به جهت گرفتاری‌اش داد. و هر زنی که بدخلقی شوهرش را تحمل کند، خداوند پاداشی همانند پاداش آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) به او می‌دهد.»^۳

به این نکته نیز باید توجه داشت که تحمل سختی اگر انتخابگرانه و با هدفی مشخص و مخصوصاً متعالی باشد، آسیبی در پی ندارد؛ بر خلاف وقتی که ناگزیر و از سر اجباری است.

با وجود آن‌که زن و مرد هر دو در حفظ خانواده مسئول‌اند، به نظر می‌رسد در مراعات اخلاق خوش شوهر به عنوان مدیر خانواده سنگین‌تر از زن باشد. به همین دلیل، مراعات خوش اخلاقی بیش از زنان به مردان سفارش شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ایمان کسی کامل‌تر است که خوش اخلاق‌تر و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من از همه شما با خانواده‌ام مهربان‌ترم.»^۴

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. لیلی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۸۵.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

۴. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶.

و فرمود: «در روز قیامت کسی به من نزدیکتر است که اخلاقش نیکوتر و خود برای خانواده‌اش بهتر باشد.»^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: وقتی سعد بن معاذ از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد او را غسل دهند و کفن کنند و خود با پای برهنه و بدون عبا در تشییع او شرکت کرد، گاهی طرف راست جنازه را به دوش می‌گرفت و گاهی طرف چپ را، تا این‌که به کنار قبر رسیدند. حضرت خود وارد قبر شد، جسد سعد را در قبر نهاد و با دست خود سنگ لحد را چید و آن را محکم و هموار کرد، مادر سعد که این همه مهربانی و توجه را از رسول خدا مشاهده کرد، با صدای بلند گفت: ای سعد! بهشت گوارایت باد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در کاری که به دست خدا است، قاطعانه سخن مگو. سعد اینک به فشار قبر مبتلا است.

پس از بازگشت از قبرستان، اصحاب به حضرت عرض کردند: شما به جنازه سعد، بسیار احترام کردید و با او رفتاری ویژه داشتید که پیش از این با هیچ‌کس نداشتید. فرمود: آنچه من انجام دادم، به پیروی از فرشتگان و جبرئیل بود که در این تشییع حضور داشتند. عرض کردند: پس چگونه فرمودید: دچار فشار قبر شده است؟ فرمود: زیرا سعد با اهل خانه‌اش بداخلاق بود.^۲

د. خساست

یکی از عوامل سردی رابطه بین زن و شوهر، خساست و سخت‌گیری در امر معاش است. کسی که با وجود توانایی مالی، زندگی مرفه را از خانواده خود دریغ می‌کند، نمی‌تواند از همسر و حتی فرزندان خویش انتظار صمیمیت داشته باشد. از طرفی، چنین کسانی خود هم به دنبال رابطه صمیمی نیستند و ترجیح می‌دهند در خلوت خود، به اموال و راه‌های فزونی آن بیندیشند.

برای مقابله با این صفت ناپسند، هر یک از زوجین خصوصاً آن‌که هزینه خانواده را تأمین می‌کند، باید از وظیفه خویش در قبال خانواده باخبر باشد. در این باب، از سوی پیشوایان معصوم سفارش‌های سازنده‌ای شده است. اگر کسی پنج قرص نان یا پنج

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۷.

۲. همان، ج ۷۳، ص ۲۹۸.

دینار یا پنج درهم در دست داشته باشد و بخواهد آن‌ها را خرج کند، بهترین راه خرج کردن این است که برای پدر و مادرش هزینه کند، سپس برای خودش و خانواده‌اش، سوم برای خویشان نیازمندش، چهارم برای همسایگان فقیرش و پنجم که پاداشش از همه کم‌تر است، در راه خدا بدهد.^۱

هـ ناراستی

ناراستی، عنوان عامی است که رفتارهای بسیاری مثل دروغ‌گویی و پنهان‌کاری را شامل می‌شود. بدون شک، هر یک از رفتارهای مذکور می‌تواند سبب سردی و دل‌مردگی خانواده گردند.

برای پیشگیری از این آفت، باید رفتار خودمان را اصلاح کنیم. منظور از اصلاح رفتار این است که هر یک از زوجین تلاش کنند این گونه رفتارها را از فهرست برخوردهای خود حد اقل در محیط خانواده حذف کنند؛ دروغ نگویند و پنهان‌کاری نکنند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «چه بد انسانی است آن که دو رو و دو زبان دارد؛ برادرش را در حضور او ثنا می‌گوید و در غیابش می‌خورد.»^۲

درمان عمومی طلاق عاطفی

طلاق عاطفی، عارضه‌ای است که علل و اسباب فراوانی دارد. از این رو، باید با علل آن مبارزه نمود و آن را درمان کرد. برخی از اصول و راه‌های درمان این مشکل عبارت‌اند از:

۱. پذیرش ملاک

هر رابطه‌ای در صورتی به خوشی تداوم پیدا می‌کند که بر مبنایی صحیح استوار باشد. بدون در دست داشتن ملاک درست، هیچ رابطه‌ای دوام پیدا نمی‌کند. بهترین ملاک برای رابطه زناشویی، شرع مقدس اسلام است. اگر ما در زندگی خانوادگی به

۱. الکافی، ج ۵، ص ۶۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۴۳.

معیارهای دینی رضایت دهیم، بسیاری از اختلافات و سوء تفاهم‌ها درمان می‌شود. بنابراین، از همسر خود همان را بخواهیم که دین از او خواسته است.

۲. گفتگو محوری

سکوت، برای بیان مقصود انسان؛ ابزار خوبی نیست، به خصوص وقتی با قهر همراه باشد. خداوند متعال برای بیان مقصود، به انسان زبان و هنر سخن گفتن را عطا کرده و آداب سخن را به او آموخته است. بنابراین، هر مشکلی در خانواده باید مقدمه‌ای باشد برای گفتگوی صمیمی همسران؛ نه بهانه‌ای برای قهر و دوری جستن.

۳. اعتراف به اشتباهات خویش

مشکلات خانوادگی، به‌ندرت محصول اشتباهات یک طرف است. جنس مشکلات خانوادگی، از تعامل نادرست ساخته می‌شود. بنابراین، هر یک از زوجین، سهمی هرچند کوچک در بروز مشکل دارند. گفتگوی بین زوجین برای حل مشکلات، در صورتی نتیجه می‌دهد که هر دو طرف صادقانه به اشتباهات خود اعتراف کنند.

۴. انصاف

انصاف، از اصول مهم ارتباطات است. این امر در رفتار منصفانه و توأم با محبت نسبت به دیگران به وجود می‌آید. امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «سه خصلت است که موجب تحکیم و تدارم محبت می‌شود: ... و مراعات انصاف در معاشرت با مردم.»^۱ امیر مؤمنان می‌فرماید: «محبت، به اندازه انصاف ریشه می‌زند.»^۲ و نیز می‌فرماید: «الْإِنصَافُ يَسْتَدِيرُ الْمَحَبَّةَ؛^۳ انصاف، محبت را تداوم می‌بخشد.»

۵. حسن ظن

از اصول مبنایی ارتباطات، حسن ظن است. اگر کسی به همسر خود گمان نیکو نبرد و همه رفتارهای او را با اهداف نادرست تفسیر کند، به هیچ صورتی با او به تفاهم

۱. اربلی، ابوالفتح، کشف الغمة، ج ۳، ص ۱۴۱؛ مالکی، ابن صباغ، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۰۵۵.

۲. عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۲۷.

۳. همان، ص ۴۴.

نمی‌رسد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به برادرانتان گمان خوش برید، تا صفای قلب را بهره بگیرید.»^۱

۶. عیب پوشی

اصل دیگری که ارتباطات انسانی بر آن استوار است، عیب‌پوشی است. مراعات این اصل در محیط خانواده، ضرورتی مضاعف دارد. در صورتی که انسان عیوب همسر خود را آشکار و دیگران را از آن آگاه کند، نمی‌تواند با او به تفاهم برسد. عیب‌پوشی، طرف مقابل را از خطر سقوط می‌رهاند. به همین دلیل، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که عیب مسلمانی را بیوشاند، چنان است که مرده‌ای را زنده کرده باشد.»^۲

منابع:

۱. ابن ابی جمهور احسایی، عوالی اللثالی، انتشارات سید الشهداء، قم اول، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن حجر، عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، دارالکتب العلمیه، اول، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، سوم، قم، ۱۳۶۳ش / ۱۴۰۴ق.
۴. ابن صباغ مالکی، علی بن احمد، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، تحقیق سامی الغریری، داراحدیث، اول، قم، ۱۴۲۲ق.
۵. اربلی، ابوالفتح، کشف الغمه، دارالاضواء، دوم، بیروت، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، اول، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۷. حسین بن سعید کوفی، کتاب المؤمن، تحقیق و نشر مدرسه الامام مهدی، قم، اول، ۱۴۰۴ق.
۸. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت، قم، اول، ۱۴۱۳ق.
۹. دانیو، آندره مورالی، جامعه شناسی روابط جنسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات توس، اول، تهران، ۱۳۸۳.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، الجامع الصغیر، دارالفکر، اول،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۵.

۲. سیوطی، جلال‌الدین، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۰۹؛ عسقلانی، ابن حجر، الاصابه، ج ۳، ص ۲۹۵.

بیروت، ۱۴۱۰ق

۱۱. -----، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، الدر المثنور، دار المعرفة

بیروت، بی تا.

۱۲. صدوق، امالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه البعثه، قم، اول ۱۴۱۷ ق.

۱۳. صدوق، خصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، ششم، قم، ۱۴۲۴ ق.

۱۴. صدوق، عیون اخبار الرضا، تصحیح حسین اعلمی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۰۴

ق، ۱۹۸۴ م.

۱۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، دوم

۱۴۰۴.

۱۶. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.

۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، منشورات الشریف الرضی، ششم،

بی جا، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خرسان،

دارالکتب الاسلامیه، سوم، تهران، ۱۳۶۴ش.

۱۹. فتال، نیشابوری، محمد بن الفتال، روضه الواعظین، تحقیق: سید محمد مهدی و

سید حسن خرسان، منشورات الرضی، قم، بی تا.

۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن، محجۀ البیضاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، جامعه

مدرسین، قم، بی تا.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

سوم، ۱۳۸۸ق.

۲۲. لیبی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسینی

بیرجندی، دار الحدیث، قم، اول، ۱۳۷۶ش.

۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تصحیح: محمد باقر بهبودی، المكتبة الاسلامیه،

سوم، تهران، ۱۳۷۴ش.

۲۴. ورام بن ابی فراس مسعود بن عیسی، مجموعه ورام.

۲۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، دوم، بیروت ۱۴۰۹ق.

۲۶. مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، دارالمعارف،

قاهره، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م. ۵. مظفر، محمد رضا، المنطق، مطبعه النعمان، نجف، ۱۳۸۸ق.